

جغرافیای تاریخی فارس

تألیف: پاول شواتس
ترجمه: کیکاووس جهاندار

جغرافیای

تاریخی فارس

• حسن پرهون

با گسترش اسلام که فروپاشی امپراتوری‌های بزرگ آن روز دنیا را به همراه داشته قلمرویی واحد از کشورهای مفتوحه پدید آمد تحت عنوان: ممالک خلافت اسلامی. در این قلمرو آنچه مفهوم خود را از دست داد مرزهای سیاسی پیشین و آنچه صیغه جدیدی یافت همانا قلمرو اسلامی بود. این فرآیند عامل مهمی بود در کنار عواملی همچون زیلرت، تجارت و تأکید اسلام بر مسئله سیر و سفر که به همراه خود تسهیل و تسریع سفر در جهان اسلام را برافراشت. با ایجاد این انگیزه‌ها و افزایش رفت و آمد، انواع ادبیات جغرافیایی توسط سیاحان مسلمان شکل گرفت که با عنوان کلی «المسالك و الممالک» شناخته شده است. شناسایی راه‌ها (مسالك) و مناطق (ممالک) از ایام‌های این ادبیات جغرافیایی بود. این کتب از منابع دسته اول در تحقیقات تاریخی و جغرافیایی ممالک اسلامی محسوب می‌شوند. براساس همین منابع نیز تحقیقات فرلوانی در زمینه جغرافیای تاریخی صورت گرفته که از جمله آنها جغرافیای تاریخی فارس اثر پاول شواتس است. این کتب کوششی است در مقوله جغرافیای تاریخی که سعی دارد تصویری زنده و گویا از منطقه فارس براساس گزارش‌های جغرافی‌نویسان مسلمان ارائه دهد.

مترجم برآورده کتاب آقای کیکاووس جهاندار در یادداشت خود بر این کتب می‌نویسد: «جغرافیای تاریخی فارس که اینک از نظر خوانندگان می‌گذرد بخش کوچکی از جغرافیای مفصل تاریخی ایران (به استثنای خراسان و سیستان) است که پاول شواتس قریب یکصد سال پیش (۱۸۹۶ م) به عنوان رساله ورود به دانشگاه بر مبنای آثار جغرافی‌نویسان عرب به تألیف آن آغاز کرد و به تدریج آنرا ضمن نه دفتر در سال ۱۹۲۴ م. به پایان برد. کتب حاضر ترجمه دو دفتر و نیم (۲۱۱ صفحه) آغازین از مجموع نه دفتر مذکور است. ۸ وی در مورد این که چرا کتب کلاً ترجمه نشده می‌نویسد: «لبتاً قرار بود تمام کتب به قلم مترجم به فارسی برگردانده شود اما حواصت روزگار و گرفتاری‌های شخصی مانع تحقق این امر شد. و وی همچنان چشم به راه بود که با فراهم آمدن فرصتی دیگر این مهم را سرانجام ببخشد. ولی چون لفق دست‌جمعی به این آرزو هر دم از برابر دیدگان او دورتر می‌رفت پس بر آن شد آن مقدار از ترجمه را که به خطه فارس محدود می‌شود، جمله طبع بپوشاند.» ۲

- ۱۳- مردم فارس
- ۱۴- منابع طبیعی و صنایع دستی
- ۱۵- تجارت و ارتباطات
- ۱۶- راه‌های ارتباطی
- ۱۷- اداره امور و وضع مالیات‌ها
- ۱۸- فهرست اعلام جغرافیایی ۴

از بخش چهارم (سراغز) تا بخش یازدهم (آبادی‌ها و نواحی دیگر) مؤلف سعی کرده گزارش‌های جغرافی‌دانان مسلمان را درباره مرزهای فارس، اوضاع طبیعی و کیفیت اقلیمی آن به علاوه تقسیمات آن سرزمین و شهرها و نواحی پنج ولایت فارس یعنی اصطخر، شاپور، داراب‌جرد اردشیر خَره و لَرجان را در کنار هم قرار دهد که این باعث شده این فصل تا حدودی خشک و بی‌روح جلوه نماید اما در این فصل گزارش‌هایی که در مورد شیراز و سیراف (بندر طاهری کنونی) ارائه می‌نماید شایان بسی توجه است.

از بخش دوازدهم (مناطق چلرنشین) تا بخش هفدهم (آب‌راه امور و وضع مالیات‌ها) را می‌توان به عنوان فصل دوم به حساب آورد. ۵. مؤلف در گزارش‌های این فصل صرفاً به ذکر و احصاء ارقام جغرافیایی بسنده نکرده و سعی نموده وصفی چندانی از مردم و فارس ارائه نماید. از آنجا که مطالب این فصل جنبه خاصی دارد در زیر موضوعات این فصل فهرست شده تا تصویری روشن از بحث‌های ارائه شده بدست آید. این فصل به شش بخش تقسیم شده است که عبارتند از:

- ۱- مناطق چلرنشین (زوموم، اکراد): در این بخش مؤلف سعی دارد که تمدن زوموم و محل استقرار آنها را مشخص نماید.
- ۲- مردم فارس: خصوصیات ظاهری و کیفیت فیزیکی سکنه فارس، خصوصیات تغذیه لباس‌های رایج میان آنها، معماری (استحکامات دفاعی، بناهای عمومی)، زبان‌های رایج خصوصیات و طرز فکر اهالی، نحل‌ها و فرقه‌های مذهبی، خصوصیات مردم چلرنشین و اطلاعاتی در خصوص ترک‌ها از مباحث مهم در این بخش هستند.
- ۳- منابع طبیعی و صنایع دستی: پراکندگی معادن (نقره، طلا، آهن، گوگرد، نفت، جیوه، نمک، مومیایی)، گیاهان (دارویی، غلظی، صنعتی)، مراکز صید صدف و ماهی، صنایع (ساجی، حصیری، روغن کشی، مرکب‌سازی، چرم‌سازی، سفال‌سازی، چینی) از جمله منابع و صنایع شناسایی شده توسط جغرافی‌دانان مسلمان می‌باشد که مؤلف آنها را مشخص می‌نماید.
- ۴- تجارت و ارتباطات: در این بخش اوزان، مسکوکات و عملان تجارت در خشکی و دریا مشخص می‌شوند.
- ۵- راه‌های ارتباطی: گزارشی از کیفیت سفر و راه‌ها، بررسی مسافت راه و ایستگاه‌های بین راه، موضوعات عمده این بخش هستند که به دنبال آن راه‌های فارس که عمدتاً با محوریت و مرکزیت شیراز امتداد می‌یابند را مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ۶- اداره امور و وضع مالیات: دیوان‌های دولتی و متقلر درآمد آنها، انواع مالیات و نحوه وصول آنها، اجزای مالیاتی به همراه فهرستی از عواید مالیاتی فارس از موضوعات مطروحه در این بخش می‌باشد. بعد از این معرفی اجمالی اشاره به نکاتی در باب بررسی کتب ضروری می‌نماید. این نکات که در شش قسمت تنظیم شده عبارتند از:
 - ۱- قبل از هر چیز باید بگوییم عنوانی که برای کتب انتخاب شده یا محتوای آن تطبیق کامل ندارد. آن طور که در ستور پیش آورده شده اساس کار مؤلف گزارش‌های جغرافی‌دانان مسلمان است که دخویه (Goeje de) کتب‌هایشان را تحت عنوان کتب‌خانه جغرافی‌دانان عرب ترجمه کرده است پس محتوای کتب هم طبیعتاً آن چیزی است که این منابع گزارش کردند و بی‌شک است که بین جغرافیای کامل تاریخی فارس با گزارش‌های این جغرافی‌نویسان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد مثلاً در قسمت کوه‌های فارس مؤلف می‌نویسد:

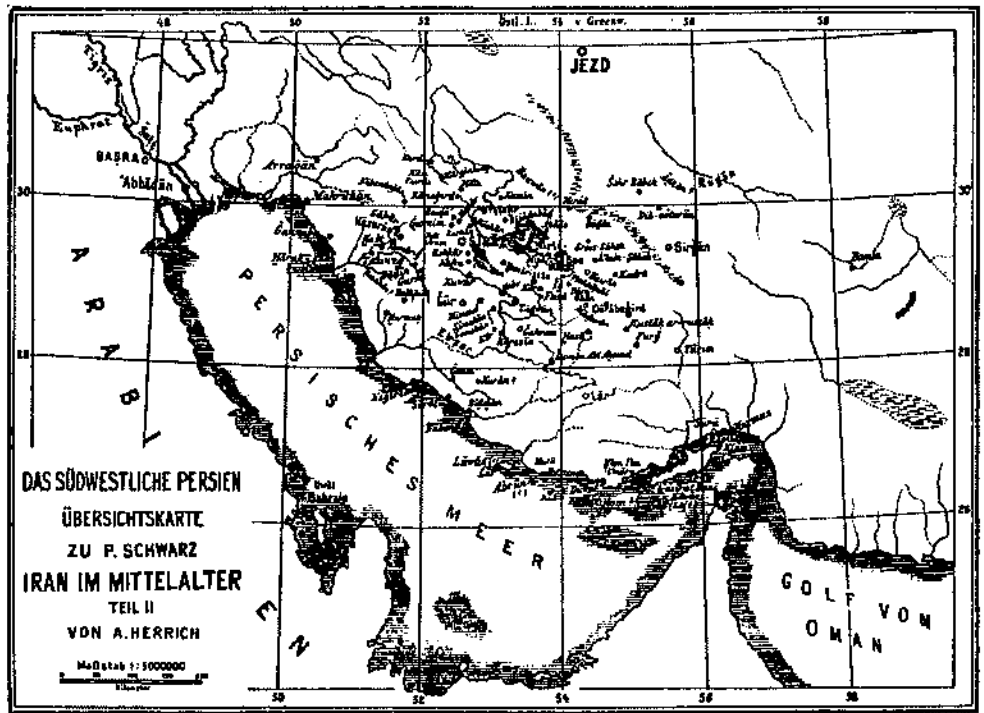
- جغرافیای تاریخی فارس
- تألیف: پاول شواتس
- ترجمه: کیکاووس جهاندار
- ناشر: انجمن آثار و مفاخر و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۲، تهران.

مؤلف انگیزه خود از تألیف کتاب را چنین شرح می‌دهد: «هنگامی که دوستانند پیش کسوت شرق‌شناسان آلمان در زمینه تاریخ و جغرافیای ممالک عرب چلپ معجم‌البلدان اثر بزرگ یاقوت را به پایان برد از نوشتن شرح مبسوطی بر این اثر جامع خودداری ورزید و اعلام داشت: «بسیار مفیدتر است که مقالاتی در باب هر یک از شهرها و مناطق و سرزمینها با استعانت از آثار سایر مورخین و جغرافی‌دانان در رشته‌های خاصی به رشته تحریر کشیده شود آن طور که وصفی شامل از آنها فراهم آید و من آرزو دارم که شرق‌شناسان جوان به زودی دست به کار عملی ساختن این مهم شوند. من می‌خواهم که اثر حاضر کوششی در این زمینه تلقی گردد.» ۳»

اساس کار شواتس را در این پژوهش آثار اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، ابن‌الفقیه، ابن‌خردادبه، قدامه، ابن‌رسته و مسعودی تشکیل می‌دهد که وی به بررسی، تطبیق و نتیجه‌گیری از آنها می‌پردازد.

کتاب جغرافیای تاریخی فارس شامل مباحث ذیل است:

- ۱- یادداشت مترجم
- ۲- نقشه (ایالت فارس)
- ۳- دیباچه مؤلف (فهرست مراجع)
- ۴- سراغز
- ۵- فارس (مرزها و خصوصیات اقلیمی)
- ۶- ولایت اصطخر
- ۷- ولایت شاپور
- ۸- ولایت اردشیر خَره
- ۹- ولایت داراب‌جرد (داراب‌جرد)
- ۱۰- ولایت لَرجان
- ۱۱- آبادی‌ها و نواحی دیگر
- ۱۲- مناطق چلرنشین



این کتاب کوششی است در مقوله جغرافیای تاریخی که سعی دارد تصویری زنده و گویا از منطقه فارس براساس گزارش های جغرافی نویسان مسلمان ارایه دهد

اساس کار شواتس را در این پژوهش آثار
اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، ابن الفقیه،
ابن خردادبه، قدامه، ابن رسته و مسعودی
تشکیل می دهد که وی به بررسی، تطبیق و
نتیجه گیری از آنها می پردازد

۳. گفتیم مؤلف کتاب «کار تحقیق خود را بر بررسی، تطبیق و نتیجه گیری از آثار، اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، ابن الفقیه، ابن خردادبه، قدامه، ابن رسته و مسعودی که دخوبه - (de Goeje) همه را زیر عنوان «کتابخانه جغرافی دانان عرب» در هشت جلد تصحیح و منتشر کرده نهاده است و اثر خود را با استناد از نوشته های بلاغی، الیکری، ادریسی، یاقوت دمشقی، قزوینی، ابوالفدا و ابن بطوطه و رجوع به آثار دانشمندان و جهانگردان اروپایی از قبیل هوفمان (Hoffmann)، اسپرنگر (Sprenger)، تماشک (tomaschek)، ریتزر (Ritter)، کیت ابوت (Keith E. Abbot)، براون (Brown)، شاردن (Chardin)، دیولافوا (Dieulafoy) و بسیاری دیگر که کتاب شناسی آنها به صورت مشروح در مراجع کتاب آمده و بهره گیری از نقشه های انگلیسی... و همچنین نقشه های روسی به رشته تحریر درآورده است.» ۱۰ علی رغم این لیست بلندبالا از منابع پرفسور هاینس گابو (Heinz gavbe) مؤلف کتاب پرارزش ارجان و کهگیلویه در خصوص منابع وی می نویسد: «شواتس و لسترنج دو محقق نامی در مورد توپوگرافی تاریخی ایران کارهای بزرگی انجام داده اند با این وجود گهگاه نیز اهمال کاری هایی در به کار بستن منابع آنها دیده می شود و آن طور که می بینیم نتوانستند از آثار سفرهای تحقیقی که از سال ۱۹۰۰ م. باقی مانده و دارای اهمیت فراوان می باشند (نوشته های جغرافی دانان و مورخان) استفاده لازم را بنمایند...» ۱۱ به غیر از این، مؤلف کتاب بعضی از سفرنامه های همان دوره را نیز مورد توجه قرار نداده است مثلاً سفرنامه ابی دلف در ایران که رساله ای مهم در زمینه جغرافیای تاریخی و شناسایی معادن ایران می باشد از چشم وی پوشیده مانده است. ۱۲ علاوه بر اهمال کاری

جغرافی دانان عرب از کوه های فارس فقط به اختصار گزارش می دهند... و سپس از قول اصطخری که در نقشه خود کوهها را ذکر نکرده معنرت می خواهد و می نویسد «... زیرا در فارس فقط مناطق معلودی می توان یافت که یا در آنها کوه نباشد و یا (فقط در دور دستها) نتوان آن را دید» ۷ یعنی به دلیل کثرت کوهها آنها را ذکر نکرده است و سپس به ذکر چند کوه که در گزارش این جغرافی نویسان آمده است بسنده می نماید و از سایر کوه های فارس به این دلیل که در گزارش جغرافی نویسان مسلمان ذکر می کند، پس این کتاب جغرافیای تاریخی فارس (آنطور که نام گذاری شده است) نیست بلکه گزارش های جغرافی نویسان مسلمان در مورد جغرافیای تاریخی فارس است. اگر عنوان کتاب اصلاح شود شاید ارزش اثر بیشتر شود.

۲) آنطور که از عنوان کتاب برمی آید این کتاب در مقوله جغرافیای تاریخی رقم خورده است. جغرافیای تاریخی از مقولاتی است که تعریف واحدی برای آن در بین عالمان این رشته موجود نیست. اما از آثار تدوین شده در این باب شاید بتوان دو نوع جغرافیای تاریخی را تشخیص داد. نوع اول بیشتر بر مسائل جغرافیایی (توپوگرافی، طبیعی) اصرار دارد و کمتر به مسائل اجتماعی و مناسبات مکتب مورد تحقیق نظر می افکند. نوع دوم هر چند خصالت نگارش اول یعنی نگاه جغرافیایی به منطقه را از دست نمی دهد اما خود را نیز به این محدود نساخته و مسائلی همچون خصوصیات اخلاقی، معماری، تجارت، مذهب و در یک کلام آنچه مربوط به زندگی اجتماعی انسان می شود را نیز مورد مذاقه قرار می دهد. کتاب حاضر در نوع دوم می گنجد چون نیمی از کتاب به مسائل اجتماعی و انسانی فارس مربوط می شود. از آنجا که این کتاب در حقیقت گزارش های جغرافی نویسان مسلمان از خطه فارس است لذا می توان این دیدگاهها، را به جغرافی نویسان مسلمان هم تعمیم داد. مؤلف خود نیز در این باره می نویسد: «از بین جغرافی دانان برجسته ترین آنها به ذکر و احصاء ارقام خشک جغرافیایی بسنده نکردند و وصف جانمایی از مملکت و مردم معاصر خود به دست ندادند که برای تاریخ و فرهنگ و مناسبات آن روزگار اطلاعات دقیق تری از آنها می توان کسب کرد تا از ذکر وقایع مورخین آن دوران.» استاد زرین کوب نیز چنین نظری را در مورد جغرافی نویسان مسلمان دارند. ایشان می نویسند: «توجه گرفته آثار و تحقیقات مسلمین در جغرافیا از جهات مختلف اهمیت دارد. غیر از وصف طرق، و بیان احوال و عوارض طبیعی، مسلمین علاقه خاصی هم به جغرافیای انسانی نشان دادند.» ۹.

مؤلف در استفاده از منابع مکتوب، وی از شواهد مادی (سفالها، مسکوکات) نیز سود نبرده است و نهایتاً اینکه خود نیز از منطقه پژوهش بازدید به عمل نیآورده است و اینها همه ضعفهایی است که بعضاً نتیجه گیری های وی را مخدوش می نماید.

۴. ارزش در خوری که برای کتاب می توان قایل شد این است که کتاب به جمع آوری گزارش های پراکنده که منحصر به فرد هستند. جغرافی نویسان مسلمان در زمانی این گزارش ها را مکتوب کردند که هیچ گزارشی از ایران از سوی اروپاییان در این سلطه وجود ندارد. مؤلف در این زمینه می نویسد: «اما این جغرافی دانان به معنی و مفهوم دیگر و وسیع تر نیز شایان اهمیتند. در دوران بطلمیوس که اخبار و اطلاعات وی از ایران به قرن دوم قبل از میلاد مسیح راجع می گردد تا مسافرت مارکوپولو در قرن ۱۳ میلادی (۵۹۷-۷۰۰ ه.ق) هیچ اثر و خبری از این سرزمین ها به یکی از زبان های اروپایی در دست نیست.» ۱۳

۵. از آنجا که شناسایی اماکن و محل ها و مظاهر طبیعی قدیم و تطبیق آنها با محل های امروزه نشان کبری بس دشوار و طاقت فرسا در جغرافیای تاریخی است لذا هر قدر که دامنه تحقیق محدود گردد نتایج آن دقیق تر و موثرتر خواهد بود. از آنجا که پول شواتس کار بسیار بزرگی تحت عنوان جغرافیای تاریخی ایران (که تنها بخش فارس آن ترجمه شده است) را به عهده گرفته بلیغی می نماید که بسیاری از مناطق را نتوانسته باشد با صورت های جدید آن تطبیق دهد. این مطلب بیش از آنکه از ارزش اثر او بکاهد همت ما را طلب می کند که آستین ها را بالا زده و در شناسایی این مناطق بکوشیم و این میسر نخواهد شد مگر اینکه تحقیقات و پژوهش های خود را به حوزه های محدودتری سوق دهیم.

۶. در یک نگاه کلی می توانیم این کتاب را فرهنگ جلیعی از گزارش های جغرافی نویسان مسلمان (اصطخری، ابن حوقل، مقدسی، ابن الفقیه، ابن رسته، ابن خردادبه، قدامه و مسعودی) در مورد جغرافیای تاریخی فارس بدانیم که مطالعه آن ما را از رجوع کردن به اصل کتابهای آنها بی نیاز می گرداند.

پی نوشت ها:

۱. شواتس، پول: جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکلوس چهانداری، انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۷۲، ص ۱۳.
۲. همان جا.
۳. همان، ص ۱۷.
۴. فهرستی ارائه شده در کتاب شماره گذاری ندارد.
۵. کتاب بدون فصل بندی است. فصل بندی ارائه شده براساس موضوع توسط نگارنده مقاله صورت گرفته است.
۶. شواتس، جغرافیای تاریخی فارس، ص ۲۸.
۷. همان جا.
۸. همان، ص ۲۶.
۹. زرین کوب، عبدالجسین: کارنامه اسلام. امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۷۶.
۱۰. شواتس، جغرافیای تاریخی فارس، پیشین، صص ۱۳۴.
۱۱. گلوبه هاینس: ارجان و کهگیلویه ترجمه سعید فرهودی، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹، ص ۲.
۱۲. سفرنامه ابوالدلف در ایران تعلیقات و تحقیقات و. مینورسکی، ترجمه طباطبائی، فرهنگ زمین، ۱۳۴۲. همچنین سفرنامه ناصر خسرو، نزاهت القلوب مستوفی، اشکال العالم جهتی (ابوالقاسم بن احمد) از منابع دست اول جغرافیای تاریخی ممالک اسلامی هستند که وی از آنها سود نبرده است.
۱۳. شواتس، پیشین، ص ۲۶.